

منشاء نقاشی ایران

رنه گروسه نویسنده و مورخ معروف فرانسوی که چند سال پیش در گذشت مؤلف کتابهای بسیار در فلسفه تاریخ است و تخصص او در تاریخ تمدن آسیاست. مقاله ذیل ترجمه فصلی است از کتاب «تمدن های مشرق» که در سال ۱۹۲۹ چاپ شده است.

هنر ایران در دوره سلجوقیان و خوارزمشاهیان متناسب با ادبیات این دوران بود. در قرنهای ششم و هفتم هجری در کاشی های ری استعمال لعاب مینائی به منتهای کمال رسید و با تزیینات منقوش و منقور رقابت کرد. آنچه در این کاشیها برای ما جالب نظرست تنها زیبایی لعاب فلزی بعضی طرفها نیست که برق طلائی مایل به زرشونی روی زمینه سفید روغنی دارد، بلکه بیشتر خود نقوش جلب توجه می کند که در آنها تصویرهای انسانی با چهره های گرد دیده می شود و این همان چهره هائیبست که در نخستین مینیاتورهای ایرانی بسیار رایج است.

اندکی پس از این زمان، دیگر در نقشا، خاصه در نقشهای رنگارنگ تصویرها تنها بعنوان مایه تزیین بکار نمی روند بلکه مجالس حقیقی را نمایش می دهند. از آن جمله مجلس بار شاهان و مجلس شکار و چوگان بازی و بزم سلطنتی.



نقش جانوران نیز به موازات تصویرهای انسانی پیشرفت کرد و در همان تصویر اسب که ناچار با سوار همراه است بلکه نقش جانوران دیگر مانند شیر و خرس و شتر و گاو و گوزن و آهو و خرگوش و مرغها و گوناگون با استادی تمام و در کمال شباهت با طبیعت ترسیم شد.

به این طریق در قرن هفتم شیوه خاص نقاشی ایرانی روی کاسه و بشقاب و کاشی های دیواری که در کازکاههای ری ساخته شده جلوه گری می کند و با تصویر کتابهای آن زمان مطابقت دارد.

در حقیقت، نقاشی سنتی بود

نقش دیواری یکی از معابد بودایی
(شیوه نقاشی ساسانی)

که هرگز در ایران زمین متروک نمانده بود. نخستین نمونه های نقاشی ایرانی که بدست ما رسیده است تذهیبها و مینیاتورهای مانوی قرن دوم است .

دین مانی چنانکه می دانیم همان مذهب مختلط از آئین زردشت و آئین عیسی است که در شاهنشاهی ساسانی در چهارقرن پیش از هجرت ایجاد شد و واضح آن مانی ایرانی بود که در حدود سال ۴۰۷ پیش از هجرت در شهر نیسفون بدینا آمد و در سال ۳۴۶ پ . ه . بعنوان کفر و ارتداد بفرمان بهرام اول کشته شد .

مانی در تمام اسناد و مدارک اسلامی نقاش مشهوری معرفی شده و فردوسی او را مانی نقاش می خواند .

در آئین مانوی مصور کردن کتابهای دینی برای ترویج آنها توصیه شده بود و شاید سبب شهرت مانی به نقاشی و صورتگری همین باشد . وجود این رسم و آئین را اکتشافات اخیر هیئت آلمانی گرون ، و دل و فن لو کوك در ناحیه تورفان تأیید کرده است . در این ناحیه که در صحرای کبی و میانه ترکستان چین امروزی واقع است و میان سالهای ۱۴۳ و ۲۲۶ هجری مرکز دولتی ترك نژاد و مانوی مذهب بوده که امپراطوری او بغور خوانده می شده دانشمندان مزبور تعداد بسیاری از نقش های دیواری و نسخه های خطی تذهیب شده کشف کردند که اکنون در موزه مردم شناسی برلین ضبط است و در آن ها رجال او بغوری (شاه و شهبانو و مردان و زنانی که اموالی برای امور دینی وقف کرده بودند) و کاهنان مانوی که بی شك بعضی از ایشان ایرانی بوده اند دیده می شوند . با آنکه متن این نسخه ها به ترکی او بغوری است مجموع این آثار کاملاً جنبه ایرانی دارد . مایه های گل و بوته و شاخ و برگ از بعضی جهات مقدمه آثار دوره مغول است . قیافه اشخاص گاهی کرد و عروسک توار و مانند چهره هائی است که در مینیاتور های ایرانی قرن هشتم دیده می شود و گاهی در تصویر های امیران او بغور بخلاف آن چهره ها باریش سیاه دیده می شود و اگر چه کردی خاصی در صورت اشخاص هست که نه تنها مینیاتور تیموری بلکه نقشهای دیواری سامره را به یاد می آورد اما در اینجا قالب صورت به بیضی متمایل تر است .

در این مشابهت عجیبی نیست ، زیرا نقشهای سامره که هر تسفلد کشف کرده است از حیث تاریخ درست با آنچه فون لو کوك در تورفان یافته مطابقت دارد . همچنین نقشهای دیواری « ایرانی و بودائی » که سراورل اشتین در ناحیه دندان او یلیغ نزدیک ختن کشف کرده متعلق به همین زمان است (قرن دوم) . شیوه تصاویر این ناحیه نیز بامینیاتورهای عباسی شیوه بغداد که در سطور بعد از آنها گفتگو خواهیم کرد خوبشاوندی دارد . نقش سواران و نقوش زیبای دیگر که گرون و دل و فون لو کوك در فزل نزدیک کوچا (ترکستان چین) کشف کرده اند از حیث موضوع نقاشی و طرز اجرا و غرض و هدف کاملاً ایرانیست .

نقش این سواران فزل در واقع واسطه میسان نقوش انسانی است که در تصاویر دیواری بامیان متعلق به دوره ساسانی وجود دارد و امیرزادگان زیبائی که در مینیاتورهای ایران اسلامی به کثرت دیده می شود .

با وجود فاصله زمانی و مکانی، صورتگری که در « غار نقاشی » قزل چهره خود را تصویر کرده است باید نخستین نقاش ایرانی شمرده شود که شخصاً تا کنون شناخته شده است.

البته این نقوش متعلق به « ایران خارجی » است که چون بودائی و مانوی بوده از آداب متعارف ساسانی و از تأثیر اسلام دور مانده است. در ایران اسلامی نخستین شیوه‌ای که از آن نمونه‌هایی به ما رسیده است سبک عباسی بغداد در قرون ششم و هفتم است. در این شیوه جنبه ایرانی کمتر از جنبه خاص عربی است. در این مینیاتورها قیافه‌های



مجلسی از مقامات حریری

عربی با بینی عقابی و ریش سیاهی که گرد چهره بیضی را فرا گرفته و چهره‌های پر حرارت با حرکات شدید دیده می‌شود و از نظرافت و لطف و نرمی خاصی که در هنر ایرانی دوره‌های بعد دیده می‌شود اثری در آن‌ها نیست.

از جانب دیگر بعضی از خصوصیات چهره‌سازی بیزانسی مانند خشکی حرکات و خطوط زاویه‌دار صورت در این مینیاتورها نیز وجود دارد اما جنبه روحانیت آثار بیزانس در آن‌ها نیست.

استادان مهم این شیوه ظاهراً از این قرار بوده‌اند:

- ۱- عبدالله بن فضل که در سال ۶۱۹ يك كتاب مخزن الادويه را مصور کرده است .
- ۲- استادی ناشناس که در سال ۶۲۸ كتاب مقامات حریری را که اکنون در موزه آسیائی لندن گراد است تصویر کرده است .
- ۳- یحیی بن محمود الواسطی که در حدود سال ۶۳۵ نسخه دیگری از مقامات که اکنون در کتابخانه ملی پاریس مضبوط است مصور کرده است .
- در تصاویر دو نسخه اخیر اجتماع عده کثیر با بیان حالات قیافه و سراحت نمایش اعضای صورت و دقت در معرفی شخصیت افراد بحدی است که شاید مینیاتورهای ایرانی دیگر هیچگاه به این درجه نرسیده است . از جانب دیگر عبور کاروان‌های شترسواران و صف بدرقه کنندگان عروس و دسته‌های سواران بیرق‌دار با اسب و استر نمونه طرز نمایش حیوانات با مراعات دقیق طبیعت است .
- همچنانکه حجاران آسوری نمونه طرح شیر را بوجود آوردند که بعد ها همیشه مورد تقلید و پیروی واقع شد یحیی بن محمود واسطی و همکارانش نیز طرح شتر عربی را که هم حیوان بارکش و هم مرکوب تجملی و هم مرکب جنگی بود بصورتی در عین حال زیبا و مسخره‌آمیز ایجاد کردند .
- هم چنین باید بعنوان چهارمین نقاش دوره عباسی از تصویرکننده یکی از کتب بدیع الزمان الجزری (اوایل قرن هفتم) نام برد . یکی از ورقهای این کتاب که تصویرساقی را نشان می‌دهد با نقاشی‌های دندان او بلیغ بی‌شبهت نیست .
- با وجود این نمونه‌ها که باید از کمی حدود آنها متأسف باشیم هرگز نمی‌توان درباره استعداد عربها در رشته تصویر و نقاشی شك کرد .
- بدبختانه در خود کشورهای عرب این استعداد را کد مانده است و علت آن هم نه منع قرآن است (زیرا که در قرآن به آن صراحت و قطعیتی که اغلب گفته می‌شود صورتگری منع نشده است) بلکه احتیاطها و قیود مذاهب قدیم اعراب را باید بیشتر مؤثر دانست .
- اما نقاشی اسلامی در سرزمین ایران بود که تکامل یافت و در ادوار مغول و تیموری و صفوی به اوج رسید . . .



آمدن اغربث نزد افراسیاب

از کتاب «شاهکارهای هنر ایران»
 نشریه بنگاه صافی علیشاه